

## پروژه‌ی اسلامی شدن دانشگاه و راهکارهای آن

حجت الاسلام علی اکبر نوایی\*

چکیده:

جامعه‌ی دانشگاهی از جمله مجموعه‌هایی است که در مسیر تکامل حیات اجتماعی و رشد فرهنگ و غنای معرفتی و اخلاقی؛ نقشی کلیدی دارد. این مجموعه در درون جامعه‌ی اسلامی از دو نوع تأثیر برخوردار است: هم می‌تواند خود را با اصول فرهنگ اسلام منطبق ساخته و ارزشهای حاصله را به جامعه مستقل نماید؛ هم می‌تواند در آفرینش فرهنگ شایسته‌ی دینی نقش آفرینی کند. نویسنده با این مقدمه این سؤال کلیدی را مطرح می‌کند که آیا دانشگاه از اسلام و مذهب فاصله دارد یا نه؟ و در پاسخ، کلیت تأثیرگذار دانشگاه را در رابطه با فضای اسلامی در حد مطلوب و مورد انتظار نمی‌بیند و جوّ عمومی دانشگاه‌ها را به دلیل عدم فضا سازی شایسته، حکایت‌گر گرایش اسلامی درخور نمی‌داند. لذا با تکیه بر نمونه‌هایی از نظرسنجی‌ها و آمار و ارقام به تبیین این مهم می‌پردازد.

در این نظرسنجی‌ها، نگرش دانشجویان نسبت به مواردی همچون؛ درس معارف اسلامی، نحوه‌ی پوشش مبتنی بر نمادهای اسلامی، ملاک‌های پیشرفت

انسان، تأثیر مسلمان بودن در رفتن به بهشت، علاقه‌مندی به حضور در مراسم مذهبی و... سنجیده و ارزیابی شده است. آنگاه مفاهیم آزادی، استقلال فکری و روحی، فرهنگ اسلامی و در نهایت کلیت دانشگاه و دانشگاه اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری یادآور گردیده است و در همین راستا لزوم اسلامی شدن دانشگاه و مفهوم آن با تکیه بر رهنمودهای رهبران انقلاب اسلامی تشریح شده‌اند.

راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها با تکیه بر چند اصل همچون؛ مدیریت اسلامی و بهینه‌سازی مدیریت دانشگاه‌ها، تربیت دانشجویان متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی، و اصل مهم تحوّل ساختاری در متون درسی و انطباق با مسائل روز، گزینش استادان نخبه، دوری گزیدن از سیاست‌بازی‌های جناحی و... با استناد به رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری ارائه گردیده است.

### واژگان کلیدی:

جامعه‌ی دانشگاهی؛ دانشگاه اسلامی؛ فرهنگ اسلامی؛ ارزش‌های اسلامی و انقلابی؛ رابطه‌ی اسلام و دانشگاه؛ امام خمینی؛ مقام معظم رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای)؛ متون درسی معارف اسلامی؛ آزادی و استقلال فکری و...

برخی از سیستم‌ها و مجموعه‌ها در روند تکامل حیات اجتماعی، رشد فرهنگ و غنای معرفتی، اخلاقی و... از نقش کلیدی، محوری و پیش‌برنده‌ی بالایی برخوردارند و با جهت‌دهی خودشان و ارائه الگوهای نظری و عملی مطلوب، می‌توانند بسیار تأثیرگذار و سازنده باشند. همان‌گونه که می‌توانند نقشی تخریبی هم ایفا نمایند. لذا در هر دو جنبه، از حدّی بالا و تأثیرگذاری تعیین‌کننده‌ای برخوردارند.

مجموعه‌ی دانشگاه، به عنوان یک کلیت تعیین کننده، از جمله با اهمیت‌ترین و تعیین کننده‌ترین این مجموعه‌هاست که از توان بالایی در این زمینه برخوردار است. زیرا که این سیستم در درون جامعه‌ای دینی و اسلامی و در قلب کلیتی متعالی، به نام انقلاب اسلامی جای گرفته است و بدین روی از دو نوع تأثیرگذاری تضمین کننده‌ی حیات اسلام و انقلاب برخاسته از آن، برخوردار است:

- ۱- می‌تواند خود را با اصول فرهنگ متعالی اسلام انطباق بدهد و اصول ملهم از اسلام و ارزش‌های برخاسته از آن را به جامعه منتقل نماید و آرمان‌هایی همچون شکل دهی به حرکت اسلامی جامعه، حفظ و برآوردن استقلال، پذیرفتن سلطه‌ی بیگانگان، برتری جامعه‌ی مذهبی را که در آیات قرآنی متجلی شده است و نفی سلطه‌ی کافران را فرمان می‌دهد، ظهور و تجلی عینی ببخشد.
- ۲- می‌تواند در آفرینش فرهنگ بایسته‌ی دینی نیز ایفاگر نقشی پررنگ باشد و متناسب با زمانه‌ی حاضر و بلکه بیشتر از آن به ارائه‌ی الگوی فرهنگی پردازد و در تولید اندیشه‌ی دینی پیشگام باشد.

اکنون ضروری است ایجاد زمینه برای بروز امکانات بالقوه‌ی آن را توصیف کنیم، با امید به اینکه تکانه‌ای در عرصه‌ی رشد افکار دینی ایجاد گردد.

آیا دانشگاه از مذهب فاصله دارد؟

با توجه به رویکرد کلی نوشتار، که در زمینه‌ی راه کارهای اسلامی (مذهبی) شدن دانشگاه است، نخستین مسأله‌ای که باید بررسی کنیم، این است که آیا دانشگاه، به عنوان یک کلیت، از اسلام و مذهب فاصله دارد؟

پاسخ کلی که به این پرسش می‌توان داد این است که بدنه‌ی کلی دانشگاه، با مقایسه با افراد مذهبی در درون آن و تقیداتی که عناصر دانشگاهی، اعم از مدیریت‌ها، اساتید و دانشجویان دارند، فاصله‌ای را نشان می‌دهد، یعنی در

مقیاس فردی، مدعی نیستیم که اسلام در دانشگاه حضور نداشته باشد، زیرا که قطعاً عناصر متدین و متعبد و معتقد به آرمان‌های مذهبی، اسلامی در دانشگاه کم نیستند، افراد فراوانی هستند که گرایش‌ات مذهبی عمیقی دارند، اعتقاد اسلامی، حساسیت دینی و توجه به وظایف دینی، الهی و معنوی عمیق و قابل قبولی دارند.

اما اگر دانشگاه به عنوان کلیتی تأثیرگذار مورد نظر باشد، باید اذعان کنیم که در حد مطلوب قرار ندارد، یعنی در کل، در فضای دانشگاه، اسلام به عنوان تعیین کننده‌ی اصلی مسیر در نیامده و تعیین کننده‌ی گرایش‌ها، قضاوت‌ها، عملکردها و تجزیه و تحلیل‌ها نمی‌باشد و این مطلب، از یک آشفتگی و نابسامانی در حوزه‌ی تفکر و نظام عملکردی در دانشگاه حکایت می‌نماید.

بنابراین به نظر می‌رسد کوشش‌ها و علاقه‌های دینی و گرایش‌ات معنوی نسل نوپا و جوان ما، خصوصاً کسانی که در مسیر فراگیری و آموزش هستند، بسیار زیاد است، اما چون فضا سازی مطلوب در دانشگاه رخ نداده و پاسخ‌های شفاف و روشنی در برابر خواست‌ها وجود ندارد.

شاهد مثال (که گرایش‌های شخصی مثبت است و جوّ عمومی منفی است)، گرایش‌های مطالعاتی وسیعی است که در دانشگاه نسبت به علوم انسانی، و کتب تدوین شده در این راستا وجود دارد، کتب عرفانی است که تا حدودی توانسته‌اند ولو به طور رنگ و رو رفته، به تبیین برخی از حوزه‌های عرفانی بپردازند.

«حجم زیادی از این کتاب‌ها، با یک صبغه‌ی عرفانی، اما ساده، که ترجمه شده‌ی آثار هندی‌ها است، مثل کریشنامورتی یا عرفان سرخ پوستی کاستاندا و کتاب‌هایی در زمینه مسائل فالگیری موجود است. وقتی شما با جوانان سیزده تا بیست و پنج ساله برخورد می‌کنید، می‌بینید که به دنبال مسائلی هستند که به پرسش‌های آنان در حوزه‌ی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی جواب داده می‌شود،

علاقه به شعرهای عرفانی زیاد شده است، مانند اشعار حافظ و... این گونه نیست که ما فقط بدحجابی را ببینیم، این گونه علاقه‌ها هم زیاد شده است.»<sup>(۱)</sup> در مجموع می‌توانیم دو نکته را بیشتر توضیح داده و به عنوان استنتاج‌های این بخش از نوشتار، تبیین نماییم.

### ۱- نگرشی کمرنگ نسبت به آرمان‌های دینی (اسلامی)

در حالی که پوششی نهادی نسبت به دین و آرمان‌های دینی وجود دارد، نگرش‌ها و عملکردهای عمومی در راستای آرمان‌های دینی و تعیین مرزها، تا حد زیادی کمرنگ است. بررسی نگرش دانشجویان نسبت به آرمان‌های دینی، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد.

بر اساس یک نظرسنجی، اکثر دانشجویان به فلاح و رستگاری و خصوصاً اصل دیانت معتقد و علاقه‌مند هستند، اما در عین حال معتقد نیستند که فلاح و رستگاری تنها از طریق اسلامی تأمین شود، بلکه معتقدند می‌تواند با عناوین دیگری (که در نظرشان دارای ابهام هم هست) حاصل شود و می‌تواند از هر اعتقاد دینی دیگری به دست آید، که این مسأله نشانگر «نسبیت حقیقت» است و نیز نشانگر این که در عین احترام نهادن به آموزه‌های معنوی، تصویر روشنی از اسلام، به عنوان آخرین حلقه تکاملی ادیان ابراهیمی و الهی ندارند. همچنین نشانگر این هم هست که اگر خواسته‌های فطری و نهادی و درونی آن‌ها با بیان تناسبی از متن دیانت اسلامی داده شود، اسلام را به عنوان معیار کامل حقیقت و دیانت توحیدی خواهند پذیرفت.

به عنوان نمونه، جدول ذیل را که توزیع فراوانی گرایش دانشجویان نسبت به تأثیر مسلمان بودن را در رفتن به بهشت نشان می‌دهد، ارائه می‌نماییم.

۱. پگاه حوزه، شماره ۱۵ - ص ۲۱، دکتر گلزاری.

نمونه ۱

درصد تراکمی	تعداد پاسخگویان		میزان موافقت
	درصد	مطلق	
۱۴/۱	۷/۷	۴۴	کاملاً موافق
	۶/۴	۳۷	موافق
۱۱/۷	۱۱/۷	۶۷	بینابین
۶۶/۲	۱۶/۳	۹۴	مخالف
	۴۹/۴	۲۸۷	کاملاً مخالف
۸	۸	۴۶	شاید، نمی‌دانم و هر دو
۱۰۰	۱۰۰	۵۷۵	جمع

نمونه‌ی دوم را در قالب جدول ذیل ارائه می‌کنیم.

در این نمونه، مسأله پیشرفت و ملاک آن مورد پرسش قرار گرفته است، یعنی اینکه پیشرفت انسان در گرو علم است یا در گرو مذهب؟ توضیح ضروری این است که یکی از مهمترین بنیادهای سکولاریزم، جدا نمودن قلمرو دین از قلمرو زندگی اجتماعی است. به همین دلیل، سیاست، اقتصاد، صنعت، فرهنگ، پیشرفت، سعادت و... از قلمرو مذهب منفک گردیده‌اند و به عرصه‌ی زندگی دنیوی که انسان، با عقل و علم خود آن را بنیان می‌نهد، وارد می‌گردند. بنابراین انسان سکولار برای پیشرفت در عرصه‌های متعدد اقتصادی و صنعتی، کانون توجه خود را بر نوآوری علمی و استظهار، بر آن قرار می‌دهد. به عبارت روشتر انسان سکولار باور ندارد که از طریق مذهب می‌شود به پیشرفت دست یافت، زیرا که مذهب در حوزه و قلمرو خاصی از زندگی جریان دارد و اقتصاد و صنعت و پیشرفت به طور کلی در حوزه دیگری که با حوزه‌ی مذهب کاملاً انفکاک دارد،

جدایی و انفکاک حوزه‌ی مقدس از حوزه‌ی مادی زندگی، که همه‌ی عرصه‌های زندگی به جز رابطه‌ی انسان با خدا را تسخیر کرده، باعث می‌گردد که انسان سکولار قائل به رابطه‌ی بین پیشرفت و مذهب نباشد.

البته اعتقاد ریشه‌ای نداریم که باورهای سکولاریستی به تمام معنا و شئون و رویکردهایش به دانشگاه رسوخ یافته، هرگز چنین اعتقادی نیست، اما بالمآل نتیجه‌ی ضعف در اندیشه سازی اسلامی و دینی در دانشگاه، باید نمونه‌ی ذیل را نیز شاهد باشیم.

#### نمونه ۲

درصد تراکمی	تعداد پاسخگویان		در پیشرفت باید به مذهب بیشتر از علم تکیه کنیم
	درصد	مطلق	
۱۴/۷	۵	۲۹	کاملاً موافق
	۹/۷	۵۶	موافق
۴۶/۱	۴۶/۱	۲۶۵	متوسط (تاحدی)
۳۲/۵	۱۵/۳	۸۸	مخالف
	۱۷/۲	۹۹	کاملاً مخالف
۶/۷	۶/۷	۳۸	سایر (نمی‌دانم، بی جواب ...)
۱۰۰	۱۰۰	۵۷۵	جمع

#### نمونه‌های دیگر

نمونه‌ی دیگری که نشانگر اسلامیت عملی دانشگاه و یا عدم اسلامیت عملی آن می‌تواند باشد، این حقیقت است که رفتارها باید با ساز و کارهای اسلامی و با قوانین آن انطباق یابد، در عین این که علاقه به مذهب و اسلام، در

هاله‌ای از پذیرش کلی قرار دارد، اما به دلیل وارد نشدن ایده‌ها و آموزه‌های مذهبی به عمق اندیشه‌ی دانشجویان، متغیرهایی نامطلوب دیده می‌شود، مثلاً این نکته که باید انسان دینی و دین باور، واجد نیکوترین صفات باشد و اگر برخوردار از حظّ ایمانی نباشد و رفتارهای به ظاهر تجلی یافته را با نمادهای دینی انطباق ندهد، مسلماً این نوع تظاهر، نوعی دوگانگی را هم حکایت می‌کند، یعنی دانشجو از طرفی معتقد به کلیتی به نام دین اسلام هست، اما در نظرخواهی که از او می‌نماییم، هرگز نشان نمی‌دهد که رفتارها و تجلیات رفتاریش در محیط دانشگاه و به ویژه در جامعه، به عنوان یک الگوی رفتاری، باید منطبق بر موازین اسلامی باشد.

منظور این است که متأسفانه درصد بالایی معتقد نیستند که باید نحوه‌ی پوشش، مبتنی بر نمادهای اسلامی و مذهبی باشد.

۶۷٪ معتقد نیستند که باید لزوماً در ظواهر؛ نمادهای اسلامی، مثل حجاب دختران، رعایت پوشش‌های پسران منطبق بر آموزه‌های اسلامی باشد.  
۲۲٪ معتقد به توافق رفتارها و ظواهر با نمادهای اسلامی هستند.  
۱۱٪ نظریه ممتنع می‌دهند.

این نظرسنجی نیز، تا حدی کم‌رنگی حضور عملی مذهب را در دانشگاه نشان می‌دهد. گرچه در حوزه‌ی نظر و گرایش درونی، غیر از آن است.

### نمونه‌ای دیگر

نگرش دانشجویان نسبت به لزوم دروس معارف اسلامی

۵۸٪ نظر داده‌اند که دروس معارف اسلامی، هیچگونه ضرورتی ندارد.

۲۳٪ نظر داده‌اند که معتقد به لزوم دروس معارف اسلامی هستند، اما با

سازوکاری که با روحیات و علایق فطری دانشجویان متناسب باشد و بتواند آن‌ها



را به سمت اسلام بکشاند.

۱۹٪ بینابین نظر داده‌اند.

نمونه‌ای که در عین حال، نشانه‌ی عمق گرایش‌های باطنی به اسلام است.

در بحث بررسی علاقه‌مندی جوانان دانشجوی نسبت به شرکت در مراسم و مناسک مذهبی، خصوصاً عزاداری سرور و سیدشهدان ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام، نتیجه‌ی ذیل، قابل انعکاس است.

۶۱/۴۲٪ علاقه‌مند به شرکت در جلسات مذهبی‌اند و خصوصاً عزاداری

سیدالشهدا را که پیشقدم هم خواهند بود.

۳۱/۰۳٪ علاقه‌مند به شرکت در نماز جمعه‌اند.

بالاخره مراسم عزاداری برای ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام در میان

جوانان، خانواده‌ها و دانشجویان از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است، چرا که شور و هیجان و تحرک و جنب و جوش، اشتیاق، علاقه و عشق، عواطف و احساسات و... در آن حادثه‌ی بزرگ، به وفور دریافت می‌شود و این‌ها همان چیزهایی است که جزء ویژگی‌های دانشجویان است.

## ۲- رسوخ ضمنی غرب باوری

باور غرب در فرهنگ‌های جهان، یکی از رویکردهایی است که غریبان طی کرده‌اند و متأسفانه توانسته‌اند آن را در ملل مغلوبه جهان ایجاد بکنند این شیوه اثرگذاری، ابتدا از مراکز فرهنگی عمده و بزرگی همچون دانشگاه‌ها آغاز شده و به عنوان یک بیماری به سراسر جامعه منتقل گشته است.

غرب باوری در درون خودش، ره‌آوردهایی منفی دارد همچون، خودباختگی، راحت‌طلبی، خودمحوری، لذت‌گرایی، دوری از تکلیف و تعبد، اعتقاد به آزادی مطلق و...

این رویکرد، از آغاز تأسیس دانشگاه‌ها، هدف محوری تأسیس‌کنندگان آن

بوده و آن‌ها می‌خواسته‌اند نوعی تساهل‌گرایی منفی و توجه به غرب را در کشورهای مورد نظرشان ایجاد بکنند، که متأسفانه داستان تأسیس دانشگاه‌ها در ایران هم حاکی از همین واقعیت است. آن‌ها توانستند در ایران، اندیشه‌ی تجدد غربی را در قالب شعارهایی همچون عقل‌گرایی اومانیستی، فردگرایی لیبرالی، و برابری به سبک غربی را در حیطه‌ی اخلاق و عرفیات اجتماعی، به عنوان یک رویکرد ایجاد بکنند. و صد البته که این روحیه‌ها و گرایش‌ها هنوز هم به طور ضمنی در اندیشه‌ی بسیاری از تحصیلکردگان ما در بدنه‌ی کلی دانشگاه و در فضای عمومی دانشگاه به عنوان یک روح کلی، وجود دارد و لذا غرب‌گرایی ضمنی و باور آن، خود را نشان می‌دهد. و صد البته که ما با غرب به عنوان یک جریان مطرح به طور صد در صد مخالفتی نداریم، بلکه نسبت به برخی از آموزه‌های منفی آن مخالفیم و بدین روی نوعی غرب باوری را در فضای حاکم بر دانشگاه مشاهده می‌کنیم، غرب باوری منفی و صد البته که نه مثبت.

امام خمینی (ره) که سخت با تهاجم فرهنگ غرب به مقابله برخاستند؛ پیشینه‌ی دانشگاه‌ها را اسفبار توصیف کرده و لزوم مبارزه با اندیشه‌های رسوخ یافته‌ی غربی را در دانشگاه این‌گونه تبیین نمودند:

«دانشگاه‌های ما اعتقادش این شده که به غیر ارتباط با خارج نمی‌شود کاری کرد، خودمان چیزی نداریم حتی گمان این است که خودمان، حتی اخلاقمان هم اخلاق صحیح نباشد، این است که مشکل است ترمیمش، به این زودیاها هم ترمیم نمی‌شود همه باید دست به دست هم بدهند برای ترمیم این جهت که وابستگی از بین برود و یک مملکتی باشد که هم اقتصادش مستقل باشد، هم فرهنگش مستقل باشد، هم انسانش مستقل باشد هم فکرش مستقل باشد،

استقلال فکری، استقلال روحی.»<sup>(۱)</sup>

و در موردی دیگر می‌فرمایند:

«دانشگاه‌ها اگر علاقه دارند به اسلام و اگر علاقه دارند به کشورشان، اگر علاقه دارند به ملتشان، جو آنها را از این غربزدگی نجاتشان بدهند و همه جا و همه کس باید به دنبال این مطلب باشد.»<sup>(۲)</sup>

مثلاً توانسته‌اند درباره‌ی مفهوم سازی از آزادی، به گونه‌ای ذهنیتها را جهت بدهند که تفکری به وجود بیاید و تفاسیر غربی را از آزادی، به عنوان یک رویکرد مطلوب بیندارند. و با توجه به همین حقیقت بوده است که رهبر معظم انقلاب، خطاب به دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس می‌فرماید:

«در باب مفهوم آزادی، ما باید استقلال را به کار گیریم، یعنی مستقل فکر کنیم، تقلیدی و تبعی فکر نکنیم، اگر در این مساله که پایه‌ی بسیاری از مسائل و پیشرفت‌های ما است، بنا شد از دیگران تقلید بکنیم و چشمهایمان را فقط بر روی دریچه‌ای که تفکرات غربی را به ما می‌دهد باز کنیم، خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم و نتیجه‌ی تلخی در اختیار خواهد بود.»<sup>(۳)</sup>

اجمالاً این مسأله نیز فاصله از واژگان و دریافت‌های متین اسلامی را در بخشی از دانشگاه و در ذهنیت حاکم بر آن نشان می‌دهد.

لزوم اسلامی شدن دانشگاه و مفهوم آن

با توجه به رخداد عظیم انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت برخاسته از آن و با توجه به نقش سازنده‌ای که اسلام در رهایی جوامع می‌تواند ایفا کند،

۱. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، جلد ۷، ص ۲۴.

۲. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، جلد ۱۱، صص ۲۴۰ و ۲۳۹.

۳. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری، روابط عمومی نهاد نمایندگی ولی فقیه، چاپ اول، بهار ۷۸ ص ۹۲.

دانشگاه‌های کشور ما، به عنوان ام‌القرای اسلامی، باید در راستای اسلامی شدن سیر نمایند. اسلامی شدن دانشگاه‌ها به مفهوم واقعی آن، اگر رخ دهد تحولی ساختاری در قرن معاصر برای پیشرفت و نفوذ گسترش اندیشه‌ی اسلامی رخ خواهد نمود.

اسلامی شدن دانشگاه، به معنای این است که اسلام در آن نمود یابد و دانشگاه به عنوان یک مرکزیت عمده، صبغه‌ی دینی و اسلامی در همه‌ی شئونش نمودار گردد؛ عناصری دینی را بپروراند، به نوعی که خروجی از دانشگاه، با فکر اسلامی، انگیزه‌ی اسلامی و دینی، از دانشگاه خارج شود، یعنی اگر با اندیشه‌ی روشنی از دین، وارد دانشگاه نمی‌شود، با اندیشه‌ی والای دینی و اسلامی از آن خارج شود.

دانشگاه مظهر حیات فکری جامعه است و هر چه بالنده‌تر و پویاتر باشد؛ بیشتر حکایت‌گری از حیات فکری جامعه خواهد بود. دانشگاه می‌تواند تعیین کننده‌ی جهت‌گیری‌های طولانی مدت و معقول جامعه باشد. استقلال، معناخواهی و اسلامیت را در جامعه محقق نماید. و اجمالاً مفهوم اسلامی شدن دانشگاه این است که تمام حرکات و مظاهر و تجلیاتی که در آن بروز می‌کند، صبغه‌ی اسلامی داشته باشد و شهود معنایی در تمامی علمی که در دانشگاه به نسل‌های دانشگاهی منتقل می‌شود، با رنگ دینی و اسلامی باشد. امام خمینی (ره)، این مفهوم را این‌گونه توضیح می‌دهند: «معنای اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا بکند و خودش را از غرب جدا بکند و خودش را از وابستگی جدا بکند و یک مملکت مستقل، یک فرهنگ مستقل اسلامی داشته باشیم.»<sup>(۱)</sup>

و در قسمتی دیگر می فرماید:

«دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته شود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی؛ اگر چنانچه تحصیل علم می‌کنند، در کنار آن تربیت اسلامی باشد، نه اینکه اینها را تربیت کنند به تربیت‌های غربی.»<sup>(۱)</sup>

و در بخشی دیگر می فرماید:

«دانشگاه مبدأ همه‌ی تحولات است، از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیم چه دانشگاه علوم جدید؛ از دانشگاه، سعادت یک ملت سرچشمه می‌گیرد، دانشگاه را باید جدیت کرد، جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید، دانشگاه را اسلامی کنید.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین زمینه می فرماید:

«معنای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، متدین کردن دانشجویان است، دانشگاهی است که در آن درس و تحقیق باشد، دارم دایره‌ی اخصی را عرض می‌کنم، می‌گویم سعی کنید بچه‌ها را متدین کنید... غرض، باید سعی در متدین کردن جماعت دانشجو باشد. از هر چیزی که به این معنا کمک می‌کند، باید استقبال کنید و هر چیزی که مزاحم و مخل این معنا است، بایستی هر جور مقتضی می‌دانید، جلوی آن را بگیرید... اگر دیدید که استاد شما در آنجا دارد به خدا و دین و این حرف‌ها اهانت می‌کند، حتماً باید یکی از این دو کار را بکنید... یا در همانجا به او پاسخ داده شود... یا استاد خوبی را ببرید و جواب او را بدهد... استادی که سر کلاس می‌نشیند و تمامیت ارضی کشور را زیر سؤال می‌برد، چگونه شما تحمل چنین چیزی را می‌کنید؟»

## راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها

اکنون که به نوعی نقد وضعیتی کردیم و به ضرورت اسلامی شدن دانشگاه و مفهوم آن اشاره نمودیم، باید ببینیم که چه عواملی، زمینه سازی آن را فراهم می‌آورند. به نظر می‌رسد در راستای اسلامی شدن دانشگاه، چند عامل کلیدی و محوری می‌توانند زمینه ساز این مهم باشند، که در این بخش به آن‌ها اشاره می‌نمایم.

### ۱ - بهینه سازی مدیریت

مقوله‌ی مدیریت در تمام ساختارها و تشکیلات از نقش و اهمیت و کاربرد وسیعی برخوردار است، ولی در دانشگاه، حساسیت مدیریت از هر مکان و ساختار دیگری بیشتر است، زیرا در دانشگاه‌ها، نیروهای اصلی جامعه و نیروی جوان جامعه وجود دارد، نیرویی که از درونمایه و جوهره‌ای بالا برای رشد و ترقی و تعالی برخوردار است، قوت مدیریت در این مجموعه، تعیین کننده است و ضعف مدیریت در جنبه‌های ارزشی؛ سبب انحراف همه‌ی نیروها می‌گردد.

تجربه‌های مکرر تاریخی هم نشان داده است که بیشترین مشکلاتی که متوجه سیستم‌های فرهنگی و آموزشی (خصوصاً در دانشگاه‌ها) شده است، بیشتر از ناحیه‌ی مدیریت‌های ناسالم رخ نموده است.

«توان و قدرت فرد مدیر، برای نفوذ در سیستم و در رفتار اعضای یک گروه، یا یک سازمان، تعیین کردن هدف‌های گروه، ارائه‌ی طریق برای تحقق هدف‌ها و خلق پاره‌ای از هنجارهای اجتماعی در گروه، تعیین کننده و گاهی الهام بخش و امیدآفرین است.»<sup>(۱)</sup>

از طرف دیگر، فرد طماع، ضعیف، فاقد مدیریت مطلوب، دارای

۱. منوچهر مظفریان، رهبری و مدیریت در اسلام، ص ۱۱۳.

گرایش‌های خاص و... می‌تواند برنامه‌های کلی حاکم بر دانشگاه را، سمت و سوی انحرافی هم بدهد.

«هرگاه افراد طماع و خائن به کار گمارده شوند، بی‌عدالتی، اتلاف اموال و عقب ماندگی به بار آمده و فساد در تمام سطوح رواج می‌یابد.»<sup>(۱)</sup>

در این زمینه رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «مدیریت در دانشگاه بایستی در آن بخش که محل وصل دانشگاه به دولت است، تمرکز پیدا کند و آن عبارت است از وزارتخانه، یعنی همین وزارت آموزش عالی، یا وزارت آموزش پزشکی، این مبنای اصولی ما است، اگر فرض کنیم در برنامه‌ها اینطور پیش‌بینی بشود و طوری حرکت کنیم که دانشگاه‌ها کاملاً بتوانند جدا از سیاست عمومی کشور (که سیاست انقلاب است) حرکت بکنند، این‌ها را ما، نه تنها قبول نداریم، بلکه این را فساد دستگاه آموزش عالی می‌دانیم... دانشگاه‌ها باید در محدوده‌ی کلی نظام اسلامی دیده بشوند... این‌جور نباشد که دشمن اگر توانست در گوشه‌ای از این کشور سرمایه‌گذاری بکند؛ در دانشگاه نتواند.»<sup>(۲)</sup>

### روش مدیریتی اسلامی

در بحث مدیریت دانشگاه، آنچه که بیش از همه قابل تامل و دقت است، روشی است که مدیریت بر دانشگاه و اداره‌ی آن حاکم می‌نماید. روش کلی مدیریت در دانشگاه، باید معطوف به ارزش‌های دینی و اسلامی باشد. و در این راه، فضاسازی برای مطرح کردن اسلام، به عنوان یک دغدغه‌ی ریشه‌ای، بسیار مهم است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید:

۱. مجله‌ی اندیشه‌ی حوزه، شماره‌های ۳۲ - ۳۳، ص ۱۹۷.

۲. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، پیشین، ص ۱۸۲.

«آنچه که مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که روش، باید صددرصد اسلامی باشد، روابط در دانشگاه‌ها باید صددرصد اسلامی بشود، مدیریت‌ها در دانشگاه‌ها باید برای اسلام، اصالت قائل باشند، مادامی که دانشگاه، پرورشگاه متخصصین مسلمان و متعهد نباشد، مطلوب انقلاب نخواهد بود، و این ممکن نیست مگر اینکه اساس و روش و سیستم در دانشگاه‌ها اسلامی باشد. یعنی مدیر و دانشجویان و استادان باید اصالت را به اسلام بدهند و رعایت احکام اسلام را بکنند، ارزش‌های اسلامی در دانشگاه، مورد مسابقه قرار بگیرد، اسلام در دانشگاه غریب نباشد، عمل اسلامی و تعهد اسلامی، یک چیز انگشت‌نما نباشد، نماز، امانت، صدق‌گفتار، صفا، برادری، عمل جهادی، درس خواندن، از روی علاقه و صمیمیت و کمک به یکدیگر باشد.»<sup>(۱)</sup>

در مدیریت روشمند معطوف به ارزش‌ها؛ باید مدیریت، از روش‌های علمی و اسلامی به صورت تلفیقی بهره بگیرد و سیستم را به پیش برد. بنابراین اگر کاستی و نقصی در مدیریت حاکم بر دانشگاه وارد است، باید نظام اسلامی به سوی بهینه‌سازی سیستم مدیریت، شخص مدیران و روش حاکم بر دانشگاه، حرکت نماید.

## ۲ - تربیت نسلی مسلمان در دانشگاه

فلسفه‌ی وجودی انقلاب اسلامی و رویکرد بنیادین آن، ایجاد یک تحول ماهوی و همه‌جانبه بوده است که بتواند در تمام بخش‌ها، انقلابی جوهری و معطوف به تفکر اسلامی را ایجاد نماید و در واقع یک بازسازی جوهری را پدید آورد. یکی از حوزه‌های اساسی، که مربوط به ساخت نیروی انسانی متناسب با آرمان‌های انقلاب بوده است، تربیت نسلی فرهیخته و مسلمان است که این

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۶۹/۹/۲۷.



نسل، متناسب با ارزش‌های ویژه‌ی انقلاب اسلامی پرورش یافته و رشد نماید. این انقلاب در جستجوی ساخت جامعه‌ای الگو و متناسب با هویت دینی و اسلامی بود، به گونه‌ای که معیارهای ارزشی صدر اسلام را با فرایند تجربه‌ی بشری بیامیزد و امکان زیست مؤمنانه را در جامعه‌ی مدرن فراهم سازد و به همین جهت، در آغاز پیروزی، انقلابی ارزشی، مسلکی در جامعه روی داد، انقلاب اخلاقی و درونی که در آن، ثروت و رفاه ارزش مبنایی نیست، نابرابری‌های اجتماعی غیرقابل تحمل و نامشروع است، و لنگاری اخلاقی و روابط بی‌ضابطه، امری ناپذیرفتنی است که با روح اسلامیت جامعه مخالف است و تبلیغ جاذبه‌های جسمی و جنسی، امری نامشروع و غیرقابل تحمل است. فلسفه‌ی وجودی چنین انقلاب گرانسنگی، انتقال همه‌ی داده‌های دینی به جامعه و حرکت دادن به سمت درک محتوای دیانت و تطبیق نسل برآمده از انقلاب با این انگاره‌ها بوده است.

بنابراین یکی از اهداف جوهری این انقلاب، تربیت چنین نسلی بوده که با نمادها و سمبل‌ها و راهیابی‌ها و آموزه‌های دینی پیوندی ناگسستی را برقرار نماید. به این معنا که ایمان دینی را در حوزه‌های مختلفی به اندیشه‌ی نسل انقلاب منتقل سازد؛ «ایمان دینی باید در سه حوزه‌ی شناختی، عاطفی، عملی، اثرهای خود را بگذارد، تا جمع این‌ها را ایمان بنامیم. یعنی ایمان، باید هم مؤلفه‌های فکری و اعتقادی داشته باشد و هم باید احساسی عاطفی باشد و هم باید عملی و رفتاری باشد.»<sup>(۱)</sup>

رسالت بزرگ دانشگاه‌ها، محافل علمی و تربیتی جز این نمی‌تواند باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این راستا می‌فرماید:

«به تربیت دینی و تربیت روحیه‌ی پرشور انقلابی جوان‌ها در دانشگاه، باید اهمیت فراوان داد و این کار، تنها باز زبان انجام نمی‌گیرد، بلکه مقدماتی هم لازم دارد، از مهمترین آن‌ها این است که عناصر مؤثر در دانشگاه‌ها باید از کسانی باشند که این انقلاب را از بن دندان قبول داشته باشند.»<sup>(۱)</sup>

امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«مهم در دانشگاه‌ها، دانشسراها، تربیت معلم، این است که همراه با تعلیمات و تعلّمات، تربیت انسانی باشد، چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبه‌ی اعلا رسیده‌اند، لکن تربیت انسانی ندارند، که یک همچو اشخاص ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیادتر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاقی و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می‌شود که ضررشان بر ملت و کشور زیادتر باشد از آن‌هایی که دانش ندارند، همین دانش را یک شمشیری می‌کند در دست خودش و با آن شمشیر دانش، ممکن است که ریشه‌ی یک کشور را از بین ببرد و قطع کند.»<sup>(۲)</sup>

برنامه‌ها و طرح‌های تربیتی در دانشگاه، عملاً باید معطوف به معنویات و جنبه‌های دینی و اسلامی باشد. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«آنچه که در اسلام مطرح است، اموال نیست، مادیات نیست، معنویات است که باید از دانشگاه به همه‌ی اقشار سرایت بکند یعنی، چه دانشگاه شما و چه دانشگاه روحانیون، این دو قشر هستند که تربیت امت به عهده این دو قشر است، این دو قشر از همه‌ی قشرها عملشان شریفتر و از همه‌ی قشرها

۱. دانشگاه و دانشجو در آینه‌ی کلام رهبری، سخنرانی در دیدار با اعضای شورای انقلاب

فرهنگی، ۷۲/۹/۲۹.

۲. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۷، ص ۲۱۵.

مسئولیتشان بیشتر است، عمل شریف، برای اینکه مرکز انسان درست کردن است، دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد، و این یک امری بوده است که انبیاء علیهم السلام مأمور بر همین امر بوده‌اند، کتب آسمانی، همه‌ی کتب آسمانی، برای ساختن انسان آمده‌اند، اگر انسان ساخته بشود، همه چیز به صورت معنویت در می‌آید، یعنی مادیت هم به صورت معنویت در می‌آید؛ به عکس، اگر چنانچه قشرها شیطانی باشند و از دانشگاه‌های ما و شما، انسان‌های منحرف بیرون بیاید، معنویات هم به صورت مادیات در می‌آید، فانی در مادیات می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

#### تحول ساختاری در متون درسی

متأسفانه کار در زمینه‌ی متون درسی و انطباق آن‌ها با رهیافت‌های اسلامی بسیار کم مایه و رقیق است، چه در دروس تخصصی و چه در دروس عمومی و در این زمینه کار بایسته‌ای رخ نداده است.

کار پژوهشی لازم در زمینه‌ی متون در درجه‌ی چندم اهمیت قرار دارد، با آنکه توسعه‌ی مبتنی بر هدف، ایجاب می‌کند که امر پژوهش، در رتبه‌ی اول اعتبار و اهمیت قرار داشته باشد.

اکثر صاحب نظران و اساتید برجسته دانشگاهی بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که متون درسی موجود در دانشگاه‌های کشور با فاکتورهای اساسی یک جامعه‌ی در حال رشد، با رویکرد دینی تناسب ندارند، که حداقل سه فاکتور را می‌توان یاد کرد.

اول: متون درسی با توسعه‌ی همگون و متناسب با جامعه‌ی در حال گذار

نسبتی ندارند.

دوم: با رویکردها و هنجارهای دینی و اسلامی نسبتی روشن ندارند.  
 سوم: با مسأله‌ی نوسازی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با منش دینی و متناسب با هنجارهای دینی و الگوهای ارزشی انقلاب اسلامی، تناسبی برقرار نکرده‌اند.

این مسأله‌ای است که اکثر اندیشمندان و نظریه پردازان توسعه بدان پرداخته‌اند و متون موجود را متناسب با باید‌های توسعه در ایران نمی‌بینند و از طرفی دیگر این متون، در راستای اهداف کلی نظام اسلامی تنظیم نشده‌اند و به لحاظ تبیینی و توصیفی از کاستی و نقص جدی برخوردارند و نمی‌توانند ایده‌ی استقلال علمی، اقتصادی، صنعتی و... و نیز رویکرد اسلامی را به دانشجویان، به نحو بایسته‌ای منتقل بکنند.

متون درسی معارف اسلامی

دروس معارف اسلامی دارای یک رسالتند، رسالتی که اسلام را به کلیت خودش بتواند در میان دانشجویان و در جامعه‌ی دانشگاهی منتقل کند و حتی بر کسانی که در پُست‌های مدیریتی و دیگر پست‌های دانشگاهی هستند تأثیر بگذارد.

دروس معارف اسلامی، می‌خواهند علاوه بر اینکه توجه به خدا را ایجاد بکنند، نوعی از خداباوری و خدایابی را به جامعه‌ی دانشجویان منتقل کنند که آن‌ها، دین و مذهب و گرایشات عمیق مذهبی و التزام و پایبندی نهادی و درونی به دین را دریابند و درک نمایند.

در واقع اگر بخواهیم یک نظرسنجی بکنیم ۹۵٪ یا بیشتر دانشجویان قبول دارند که خدا هست، قبول دارند که پیامبرانی از جانب خدا آمده‌اند و معادی وجود دارد و امامت هم ادامه‌ی رسالت نبوت است، ولی در عین حال بنیه‌ی فکری آن‌ها در راستای این باورهای قلبی تقویت نشده، لذا این متون باید به

گونه‌ای باشند که بتوانند دانشجو را در فضایی معنایی به سیر و عمل و تکاپو وادارند. و بدین روی، متون درسی معارف اسلامی بایستی از چند ویژگی و خصلت بارز و اساسی برخوردار باشند.

### ۱ - منطبق بر خدایابی

منظورمان از خدایابی، تدین دانشجو است، که تدین، همان التزام درونی و نهادی و پایبندی همه جانبه به دیانت است. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«اگر توانستید جوان‌های دانشجو را متدین کنید، هم دنیا و آخرت آن‌ها، هم دنیا و آخرت خودتان را آباد کرده‌اید. اگر خدای ناکرده در این زمینه، کوتاهی کردید، هم به دنیا و آخرت آن‌ها ضربه زده‌اید، هم دنیا و آخرت خودتان دچار ضربه و خدشه می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

و یا اینکه دانشجو در درس اخلاق، صرفاً پاره‌ای از اطلاعات علم اخلاق را فرا نگیرد. مثل اینکه مفهوم اخلاق چیست؟ نسبی است یا مطلق است؟ و... زیرا که تمرکز بر این مسأله‌ها فقط علم اخلاق را به دانشجو منتقل می‌کند، بدون اینکه تعهد و التزام اخلاقی به وجود بیاورد. *مجموعه مقالات فرهنگی*  
*روزنامه کوم‌انسانی*  
رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«می‌دانید که اخلاق هم، درسی نیست. خیال نکنید که اخلاق، درس اخلاق است. درس اخلاق، به آدم اخلاق نمی‌دهد، به آدم علم می‌دهد، ممکن است من علم اخلاق هم بلد باشم، اما علم اخلاق لزوماً به معنای داشتن اخلاق خوب نیست... مصرف کردن اخلاق، اصل است. باید اخلاق را مصرف کرد، باید

کیفیت اخلاقی پیدا کرد.»<sup>(۱)</sup>

امام خمینی در این زمینه، نکته‌ی راهگشایی را تبیین فرموده‌اند که باید مقیاس عمل در دروس معارف اسلامی و استادان آن واقع شود:

«آن معنایی که از علوم دانشگاه‌ها ما می‌خواهیم، آن معنایی که از علوم مدارس قدیم ما می‌خواهیم، همین معنا نیست که در سطح ظاهر الان هست و متفکرین ما همان سطح ظاهر را دارند در آن [کار] می‌کنند و بسیار هم ارجمند است کارهایشان، لکن آنکه اسلام می‌خواهد این نیست، آنکه اسلام می‌خواهد، تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیرطبیعی باشد، آنکه از آن اسلام می‌خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد، این است که تمام این‌ها مهار شود به علوم الهی و برگشت به توحید بکند. هر علمی که جنبه‌ی الوهیت در آن باشد، یعنی انسان، که طبیعت را می‌بیند، خدا را در او ببیند، ماده را که می‌بیند، خدا را در او ببیند، سایر موجودات را که مشاهده بکند خدا را در او ببیند...»<sup>(۲)</sup>

## ۲ - منظور کردنِ باید‌های زمانه

در متون درسی، باید‌های زمانه و ضرورت‌های آن، می‌باید مورد عنایت و توجه واقع شود، چه آنکه فاصله گرفتن از این باید‌ها و در جریان مسائل آن قرار نگرفتن، آفتی برای متون است. متون به منزله‌ی وسیله‌ای نظری برای درک و تبیین واقعیت‌های اجتماعی و مجموعه‌ای منسجم و منطقی برای به مرحله‌ی بروز و فعلیت رساندن پدیده‌های نوین اجتماعی، فرهنگی و علمی هم هستند.

امام خمینی در این زمینه می‌فرمایند:

۱. دانشگاه و دانشجو در آیین‌ی کلام رهبری، پیشین، ۱۹۵.

۲. دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی، معاونت پژوهش مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار

امام خمینی، چاپ سوم، بهار ۷۸، ص ۱۹ - ۱۸.

«دانشگاه باید خود را مجهز کند برای اینکه جوانان را بسازد، آتی‌هی این کشور را شما باید از همین الان پی‌ریزی کنید و جلوتر از زمان باشید، اما نباید فقط به فکر خودتان و زمان حال باشیم، باید به فکر آینده‌ی کشور باشیم، تا آینده‌ی اسلام و کشور محفوظ باشد.»<sup>(۱)</sup>

بایدهای زمانه در کلام رهبری نیز تجلی خاصی دارند که همواره در موضعگیری‌های حکیمانه‌ی ایشان مشهود است.

### ۳- برآوردن انتظارات نسلی

قدر مسلم این است که این متون، انتظارات نسل معاصر را بر نمی‌آورد، چنانکه در بسیاری از نظرسنجی‌های پیشین و در حین تدریس (که از دانشجویان به عمل آمده) اکثراً معتقد بوده‌اند که این متون، انتظارات و خواسته‌های منطقی آن‌ها را برآورده نمی‌سازد و بسیاری هم معتقدند که محتوای ارائه شده اقناعشان نمی‌کند، بدین روی بایستی متون بتوانند انتظارات نسل مخاطب خویش را برآورده سازند.

### ۴- پالایش اندیشه و بخشش انگیزه

متون معارف اسلامی باید در راستای تهذیب و تطهیر اندیشه و پالایش آن حرکت نموده و با این معیار تناسب داشته باشند. ممکن است دانشجو در خارج از محیط دانشگاه و قبل از ورود، یا ذهنیت روشنی از اسلام نداشته باشد و یا اینکه در ذهن او تخریب‌گری‌هایی صورت گرفته باشد، در هر دو صورت، یکی از رسالت‌های عمده‌ی درس معارف اسلامی؛ تطهیر، پالایش، لایروبی و تزکیه‌ی ذهنیت و سپس دادن انگیزه‌ی دینی به دانشجو است، که قهرماً باید در راستای این مهم، متونی تنظیم گردد و بایبانی شفاف، جذاب و منطقی به دانشجویان منتقل گردد.

لزوم تنظیم متون، متناسب با اهداف

قبل از تنظیم متون، می‌بایست اهداف آموزشی، مشخص و تعریف شوند و بر اساس چهارگزینه‌ی اساسی برشمرده در زیر، این متون تنظیم گردند:

اول - اهداف آموزشی که باید دانشگاه در پی آن روان باشد.

دوم - برنامه‌ی آموزشی و متونی که این اهداف را برآورده می‌سازد.

سوم - چگونگی سازماندهی اهداف آموزشی.

چهارم - چگونگی دستیابی به تحقق یا عدم تحقق اهداف.

این گزینه‌های چهارگانه را آقایان Smith و Starley و Shores، بیان داشته‌اند و اعلام نموده‌اند که با طی یک فرایند تجربی به دست می‌آید، یعنی تجربه‌های بالقوه‌ای که در یک دانشگاه تعیین می‌شوند. اگر بخواهیم این چرخه را طی نماییم، باید ابتدا وضعیت حاضر را مورد نقادی و ارزیابی قرار بدهیم. و چند نکته را تحلیل نماییم. این نکات عبارتند از:

آیا در دانشگاه، تفکر و اندیشه معطوف به استقلال حاصل شده؟

آیا درس‌ها را به خوبی می‌خوانند؟

آیا از انگیزه‌های متعالی و ارزشی برخوردارند؟

آیا پس از گذشت ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، سطوح علمی و

ارزشی بالا رفته‌اند یا سیر نزولی داشته‌اند؟

اگر این پرسش‌های چهارگانه را تحلیل نماییم، متأسفانه پاسخ هر چهار پرسش، مسیر منفی را نشان می‌دهد. و این خود حکایتگر ضعف محتوا و ضعف مرحله‌ی توصیف و تبیین است.

نمونه‌ای از متون متعهدانه

نوشته‌های امام خمینی (قدس سره الشریف)، نمونه‌هایی از متون

متعهدانه‌اند، ایشان دارای نوشته‌هایی فقهی، فلسفی، اخلاقی، عرفانی، سیاسی،



اجتماعی هستند که اگر به کلی دقت کنیم، عامل واحدی آن‌ها را در یک جا با هم تلاقی داده است، به گونه‌ای که همه‌ی آن‌ها اجزای یک ساختار کلی را تشکیل می‌دهند. به گونه‌ای که متون بر جای مانده از حضرت ایشان، با توجه به شکوهمندی اهداف ایشان، در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جنبه‌ی هدایتگری داشته‌اند و این امر مربوط به جنبه‌ی هدایتگری ایشان است. به نوعی که یک طلبه وقتی که فقه ایشان را می‌خواند، فقه فردی را نمی‌بیند، بلکه فقهی متکامل، اجتماعی و ناظر بر حوزه‌ی اجتماع و حکومت را می‌نگرد. و یک فرد سیاسی، اگر متن‌های ایشان را می‌خواند، انگیزه‌ی سیاسی معنوی پیدا می‌کند و...

«متون بر جای مانده از متفکر مورد بحث ما - حضرت امام خمینی (ره) - با توجه به جایگاه رهبری ایشان در فرایند انقلاب اسلامی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ که جایگاهی هدایت‌گراانه است، تا یک جایگاه آکادمیک؛ عمدتاً متونی است از نظر بیانی بیشتر شبیه متون دینی، این امر قطع نظر از محتوای دینی سخنان ایشان، بیشتر به جایگاه هدایتی و جهت‌دهی ایشان مربوط می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

بالاخره نوشته‌ها، نوارها، بیانیه‌های ایشان نشانگر یک رسالت‌اند که به مرحله‌ی ظهور عینی نایل شده است.

گزینش استادان نخبه‌ی اسلامی  
در اندیشه‌ی اسلامی، برای نخبه و مفهوم سازی از آن، باید دقت بیشتری ورزید، در فرهنگ سکولار، نخبه به کسی اطلاق می‌شود که با سنت‌ها درگیر شود، و هر کس با سنت بیشتری به تعارض برسد، در فرهنگ سکولار، از نخبگی

۱. محمدحسن حسینی، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی، نشر عروج، زمستان ۷۸، ص

بیشتری برخوردار است. و حال آنکه در اندیشه‌ی دینی، نخبگی، عکس آن چیزی است که در فرهنگ سکولار مطرح است، در فرهنگ دینی، نخبه، انسان واصل به حق است، انسانی که شیفته‌ی نجات و رهایی دیگران است و انسانی است که اندیشه‌ای معطوف به حق و عدل دارد. در زبان علی علیه السلام، چنین انسانی، همان طیب الهی است که در شأن پیامبر که معلم بشر بوده، بیان می‌فرماید:

«طیب دَوَّار بَطْبَه، فداحکم مراهمه واحمی مواسمه، یضع ذالک حیث الحاجة.»<sup>(۱)</sup>

### دوری از سیاست بازی‌ها

در سیستم آموزشی دانشگاه، سیاست بازی‌ها و جناح‌گرایی‌های افراطی، سبب تجزیه‌ی فکری می‌شود، مگر اینکه این امور سیاسی با پشتوانه‌ی عقلانیت و منطق درآمیزد و گرنه وارد نمودن طیف بازی‌ها و سیاست‌گرایی‌های افراطی، سبب هرز رفتن نیروهای مادی، معنوی و انسانی خواهد شد. بالاخره نباید سیاست را با سیاست بازی جابه‌جا نمود و با ایجاد فضای عصبی، آرامش علمی و معنوی دانشگاه را بر هم زد و فضای تدریس را آلوده به تفکرات از پیش ساخته‌ی ذهنی نمود و قدر مسلم این است که تحقیق و علم‌آموزی در فضای متشنج و غوغاسالار امکان نخواهد داشت.

راهکارهای دیگری همچون پاسخ به شبهات و هججه‌هایی که علیه دیانت می‌شود و متأسفانه در این چند سال اخیر، این هججه‌ها بخش اعظم فضای ذهنی دانشجو را اشغال نموده و او را از گزینش راهی متین و منطبق بر معیارهای حقانیت باز داشته، که قطعاً پاسخ به این هججه‌ها و شبهات، بخش اعظم نیروی

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه.

فکری را آزاد خواهد نمود. همچنین رسیدگی به مشکلات صنفی دانشجویان بسیار راهگشا است.

رسیدگی به مشکلات شخصی آنان بسیار سازنده و جاذبه آفرین خواهد بود. صداقت مدیریت‌ها با دانشجویان، سبب جذب آن‌ها به کلیت سیستم خواهد گردید.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی